

میان‌روی و اعتدال شاخص وزین تعالیم اسلامی [بخش نخست]



چکیده

در تعالیم قرآن و حدیث نبوی از دین اسلام و مسلمانان، به عنوان دین اعتدال و «امت وسط» یاد شده؛ که این امر اهمیت اعتدال و میان‌روی را در تمامی امورات جامعه اسلامی به منصفه ظهور می‌رساند، امری که گاهی مورد غفلت واقع می‌شود.

در این نوشتار؛ قضیه میان‌روی و اعتدال از منظر قرآن و سنت نبوی به اختصار مورد بحث و بررسی واقع شده تا در ضمن بیان معنای لغوی و اصطلاحی و مفهوم آن، به استناد آیات کریمه قرآن و اشارات مستقیم رسول خدا صلی الله علیه و سلم؛ اهمیت و ارزش و نقش آن در زندگی فردی و اجتماعی و سیر تکاملی انسان در نیل به شخصیت مطلوب ایمانی مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته تا نقش اعتدال‌گرایی در رسیدن به کمالات انسانی و شکوفایی تمدن و تداوم نعمت‌ها تبیین شود.

کلمات کلیدی: اعتدال، میان‌روی، قصد، عدل، افراط، تفریط، میان‌روی، امت وسط.

مقدمه

با بررسی همه جانبه تعالیم وحی و رهنمودهای شریعت اسلام به خوبی این حقیقت استنباط می‌شود که اسلام، نظام عالم را - که نظام احسن است - به عنوان نظامی اعتدالی معرفی نموده و انسان را در تمامی ابعاد و عرصه‌های زندگی، به میان‌روی و اعتدال، فراخوانده و در هر کاری و هر خصلتی افراط و تفریط را مذمت و محکوم کرده، و اعتدال و میان‌روی را در تمام امور زندگی مفید دانسته و پسندیده است، و بر این اساس می‌توان مدّعی بود که دین اسلام، به عنوان کامل‌ترین و ساده‌ترین برنامه و راهنمای زیستن، دینی معتدل و میان‌روانه است و به همین خاطر آن را «دین حنیف» نامیده اند.

در زهد و پارسائی نیز اعتدال و میان‌روی مدنظر دین مقدس اسلام است، همان‌گونه که عشق و علاقه شدید به امور مادی و لذت‌های نفسانی ناپسند و زیانبار است، زهد و پارسائی تفریطی به این معنی که انسان از تمام امور دنیا و لوازم زندگی، کار و کوشش دست کشیده خود و خانواده و افراد تحت تکفل خویش را از نظر خوراک، پوشاک، مسکن، درمان و... محتاج دیگران نموده و آن را رهبانیت و از عادات جاهلیت دانسته است، چنان‌که قرآن مجید رهبانیت و ترک دنیا را عادات زشت و ناپسند و از بدعت‌های راهبان مسیحی می‌داند و آن را شدیداً نکوهش و مذمت قرار می‌دهد:

« وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ » (حدید/۲۷).

«رهبانیت (و ترک دنیا) را از پیش خود پدید آوردند ما بر آنها آن را ننوشته بودیم».

رسول خدا صلی الله علیه وسلم نیز اندیشه ترک دنیا و گوشه‌گیری مطلق را نمی‌پسندد و هر گاه در میان یارانش آثاری از گرایش به چنین رفتاری را ملاحظه می‌کرد، هر چه زودتر این‌گونه کج فکری‌ها را اصلاح و به روشی صحیح و درست آنان را هدایت و راهنمایی می‌نمود و برای همیشه اعلام فرمودند: «لا رهبائیة فی الإسلام»؛ «رهبائیت در اسلام وجود ندارد». (ماوردی؛ ۱۴۰۹، ص ۲۲۹)

از منظر اسلام انسان کامل، معتدل‌ترین شخصیت در همه حوزه هاست. داشتن روحیه ای معتدل و میانه رو در امور دنیوی و اخروی مقبول و مطلوب شریعت اسلام بوده و حتی در مسائل اجتماعی و سیاسی هم تندروی و کندروی بازتاب های منفی به همراه داشته و گاهی مشکل ساز می شود.

از این رو خداوند از مردم می خواهد برای نیل به کمال مطلق و تقرب الی الله و زندگی سعادت‌مند در دنیا و آخرت، اعتدال‌گرایی و میانه روی را نصب العین زندگی خویش قرار داده و هرگز به افراط و تفریط گرایش پیدا نکنند.

مسلم است که آیات قرآن به ما می آموزد هر کس تعالیم هدایت بخش اسلام را راهنما و برنامه زندگی خویش قرار دهد، زندگی معتدلی خواهد داشت و از نظر شخصیتی نیز به تعادل همه جانبه خواهد رسید. از این رو، شخص هم در حوزه روان‌شناسی شخصیت و هم در حوزه روان‌شناسی اجتماعی و تعامل با دیگران و هم در حوزه های دیگر، انسانی معتدل خواهد شد.

در قرآن کریم آیات متعددی با این جهت‌گیری تربیتی، (توصیه به میانه روی) آمده و خداوند مؤمنان را در امور مختلف فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و اقتصادی به رعایت اعتدال فراخوانده است. چرا که هدف اسلام معتدل کردن شاکله و شخصیت انسان بوده تا در سایه این شخصیت مطلوب قرآنی، در همه اعمال و رفتار وی اعتدال وجود داشته باشد و قطعاً محصول این نظام تربیتی، فردی خواهد بود که پای در جای پای اسوه مطلق اعتدال یعنی «رسول خدا صلی الله علیه و سلم» گذارد و او را مقتدای خویش قرار خواهد داد.

هنگامی که اعتدال و میانه روی در نفس و درون کسی شکل بگیرد و در شاکله وجودی او نهادینه شود در همه امور زندگی این رویه را حفظ خواهد کرد و مبتلای افراط و تفریط نمی‌گردد. بنابراین، رعایت این اصل برای رسیدن به کمال مطلوب، ضروری است. چرا که پیمودن راه تکامل و دست یابی به هدف نهایی، در گرو رعایت اعتدال در همه زمینه های زندگی است.

اعتدال‌گرایی نقش بسیار مهم و اساسی در تمدن سازی و شکوفایی آن دارد. خداوند در آیات متعدد سوره یوسف هنگامی که به علل شکوفایی تمدن در دوران حضرت یوسف (ع) می پردازد، تبیین می کند چگونه نظامی که حضرت یوسف (ع) بر پایه عدالت و اعتدال بنیاد گذاشته، توانسته است تمدن بزرگ و شکوفا را پدید آورد.

با کمال تأسف مشهود است که بیشتر انسان‌ها و بسیاری از جوامع، در طول حیات خود فاقد این اصل (میانه روی) بوده و هستند، از این رو یا به دامن افراط افتاده یا در دام تفریط غلطیده، و از مسیر صحیح و طریق کمال و هدایت منحرف شده‌اند.

بی تردید ریشه بسیاری از انحرافات فردی و اجتماعی را می‌توان در عدم رعایت اصل اعتدال جست؛ چه مشکلاتی که انسان در رابطه با خود پیدا می‌کند و توانایی حل آنها را ندارد و چه مشکلاتی که در خانواده و روابط خانوادگی ایجاد شده و چه مشکلاتی که در جوامع به سبب عدم رعایت این اصل ظهور می‌کند.

«اعتدال و میانه روی» به عنوان روشی برای زندگی انسان‌ها، مورد اهتمام دین اسلام می‌باشد. این اعتدال در تمام شؤون زندگی رهبران و بزرگان دین به خوبی نمایان است. اعتدال در عبادت، انفاق، خوردن و آشامیدن، مسائل اعتقادی و برنامه‌ریزی زندگی و حتی در زمان بندی روز و شب که تدبیری حکیمانه و محل توصیه پروردگار بوده، رعایت شده و در آموزه‌های دینی، کسی که این اعتدال را رعایت نکند جاهل نام گرفته است.

حضرت علی (رض) در مورد انسان جاهل همین تعبیر را آورده و می‌فرماید: «لا تری الجاهل الا مفرطاً او مفرطاً»؛ جاهل را نمی‌بینی، مگر این‌که یا افراط می‌کند و یا تفریط. (نهج البلاغه، حکمت ۷۰)

بنابراین اعتدال نشانه خردمندی است و افراط و تفریط نشان دهنده جهل و نادانی است و ریشه در ناآگاهی و جهل انسان‌ها دارد. انسانی که میانه رو باشد و اعتدال را رعایت کند امور زندگی برای او سهل خواهد شد و مورد توجه و رحمت خداوند قرار می‌گیرد و این کار باعث تعادل در آرزوهای انسان و موجب جلب توفیق الهی و موفقیت انسانها خواهد شد.

به تعبیر زیبایی شاعر:

رهرو آن نیست که گه تند و گهی خسته رود **** رهرو آنست که آهسته و پیوسته رود

معنای لغوی و اصطلاحی میانه روی

اعتدال و میانه‌روی ترجمه واژه «وَسْطٌ» در زبان عربی است: «اوسط الشيء وسطه» برگزیده و منتخب هر چیزی که دارای دو طرف متساوی و یک اندازه باشد. مثلاً می‌گویند: «فَلانٌ من اوسط قومه»؛ فلانی در میان خویشاوندان برگزیده‌ترین است.

معنی دیگر (وسط) دوری از افراط و تفریط می‌باشد، افراط اضافه برخواسته و تفریط کمتر از آن است و آنچه حد وسط و برگزیده میان این دو باشد عدالت و میانه‌روی نام دارد. مشتقات وسط چندین بار در قرآن در مدح و ستایش به کار رفته‌اند.

از بیان قرآن می‌فهمیم که «وسطیت» نیز فضیلتی از فضایل اسلام و منشی از منش‌های اخلاقی قرآنی و صفتی بزرگوار و اساسی است که خداوند آن را برای مؤمنان برگزیده و می‌فرماید: «وَكذلكَ جَعَلناكُمْ اُمَّةً وَّسْطًا» (بقره: ۱۴۳)

معانی دیگری نیز برای میانه روی وجود دارد که دین اسلام و امت مسلمانان را در بین سایر ادیان و امم ممتاز می‌سازد.

در زبان عربی از میانه روی با عنوان «اعتدال» یاد شده و به معنای حد وسط در کمیت و یا کیفیت است. مانند این‌که گفته شود: قد آن فرد نه کوتاه است و نه بلند، یا حالتی که در آن دو طرف از لحاظ کمیت و یا کیفیت در سازگاری و تناسب باشد. همچنین این واژه به معنای استقامت و پایداری نیز آمده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۴۳۳)

میانه گرایی یا وسطیت: وَسْطٌ اسم برای مابین دو چیز است و در کمیت‌های متصل الأجزاء به کار می‌رود. لذا میانه روی و میانه گرایی همان وسطیت و اعتدال در مفهوم قرآنی آن است که عبارت از دوری نمودن از هرگونه افراط و تفریط در قول و فعل و اندیشه است. (ابن منظور، ج ۲، ص ۴۲۷۹-۴۲۸۰)

پس شاید بتوان گفت که اعتدال به معنای تناسب است. همین حالت تناسب است که سبب استقامت، قوام پیدا کردن و موزون شدن میان چیزها می‌شود. بنابراین هنگامی که از اعتدال سخن به میان می‌آید مقصود آن است که تناسب در آن رعایت شود که لازمه مراعات چنین تناسبی استقامت و قوام یافتن امور می‌شود. انسانی را متعادل می‌گویند که در عقیده، انحراف و گرایش به باطل نداشته و در پی حق و حقیقت باشد و در رفتار هرگز مناسبات میان اشیا و چیزها را نادیده نگیرد. از این رو انسان موحد و یکتاپرست را انسان معتدل می‌نامند؛ زیرا چنین شخصی مراعات تناسب میان هستی را کرده و حق هر چیزی را به درستی ادا نموده و نتیجه چنین بینش و نگرشی آن است که از افراط و تفریط و کژی به دور می‌باشد.

در قرآن برای بیان مفهوم اعتدال و میانه روی از واژه «قصد» استفاده شده است. البته واژگانی چون «وسط و سواء و حنیف» نیز به این معنا به کار رفته؛ ولی بیشترین کاربرد در مفهوم و اصطلاح را می‌توان در واژه «قصد و اقتصاد» یافت. از این روست که در روایات اسلامی به پیروی از قرآن از واژه «قصد» برای بیان اصطلاح اعتدال استفاده شده است.

در اصطلاح منظور از اعتدال و میانه روی، ثبات و پایداری بر فضیلت و استقامت در سلوک و رفتار شایسته از منظر عقل و شرع و برگرداندن آنها (امیال مختلف انسان) از افراط و تفریط به حد وسط و اعتدال می‌باشد، به عبارت دیگر، منظور آن است که هر گاه دست یابی به امری شرعا و عقلا نیکو و شایسته باشد آن امر حاصل شود و زمانی که عدمش نیکو و احسن است آن امر بروز نکند، مثلاً: درباره صفت شهوت در برخی موارد بروز و ترتیب اثر دادن و پیروی از آن قبیح است، (مثل نگاه شهوت‌آلود به نامحرم و مانند آن) در حالی که این مورد درباره همسر نیکو و شایسته است.

لذا می‌توان ادعای وجود یک نوع رابطه منطقی میان اعتدال و اصلاح کرد. به این مفهوم، که هرکار معتدلی صالح و درست است و هر کار غیرمعتدلی فاسد می‌باشد و نیازمند آن است که اصلاح شود. اصلاحات به معنای بازسازی کاری است که به جهت فقدان اعتدال، به فساد گراییده است.

اگر کسی رویه اعتدال را در پیش نگیرد و رفتاری صالح نداشته باشد، گرایش او به فساد است؛ از این رو پس از هرکار غیرمعتدلی سخن از فساد در آن کار می‌شود، در حالی که خواسته عمومی، اصلاح کار و به اعتدال رساندن آن است.

مفهوم حقیقی اعتدال در فرهنگ قرآنی

میانه روی ضمن اینکه نزد عقلای عالم امری ستودنی و پسندیده است، آموزه های قرآنی نیز به آن مهر تایید زده و جامعه بشری را در سیر تکاملی خود به میانه روی فراخوانده است. چنانچه در نمازهای واجب خود از خداوند متعال می‌خواهیم که ما را به میانه روی که در آن ثبات و استواری باشد، هدایت فرماید: «اهدنا الصراط المستقیم» (فاتحه/۶)

راه مستقیم راه اعتدال و پایداری می‌باشد. باید توجه کرد «مستقیم» به معنای «راه راست» که در میان مردم متداول است نمی‌باشد؛ بلکه مستقیم و استقامت در فرهنگ قرآن و زبان عربی به معنای «قوام و پایداری توأم با اعتدال و تعادل» را گویند و گرنه مفهوم

پایداری با کلمه صبر و مقاومت بیان می‌شود نه استقامت. به همین دلیل همه ادعیه مستحب هستند مگر این دعا که خواندنش امری واجب است.

بنا به مفهوم این دعای قرآنی، رابطه ای بسیار محکم و استوار میان اعتدال گرایی و صراط مستقیم وجود دارد. زیرا در مفهوم صراط مستقیم «اعتدال و میانه روی» تضمین شده و دین اسلام را که همان صراط مستقیم است، دین «اعتدال و حد وسط» توصیف می‌کند.

در معرفی صراط مستقیم خداوند می‌فرماید: **«صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ»** (فاتحه/۷)

بخش اول آیه ناظر به کسانی است که معتدل و میانه رو هستند و بخش دوم **«غیر المغضوب علیهم»** اشاره به اهل افراط و تندی است، چرا که حق را شناخته اند اما بر آن استقامت نورزیده اند و بخش پایانی **«ولا الضالین»** ناظر به اهل تفریط و تقصیر است، چرا که نه حق را شناخته اند و نه اهل استقامت بوده اند. بنابراین این صراط مستقیم همان راه اعتدال و میانه گرایی است.

مرحوم رشید رضا نیز در تفسیر این آیه می‌فرماید:

«خداوند امت مسلمانان را به سبب دین، کردار، رفتار، اخلاق، علاقه به تعالیم الهی امتی میانه قرار داده است حال آن‌که پیشینیان دو دسته بوده‌اند: دسته‌ای در مادیات و هوس‌های نفسانی صرف افراط داشته و از آن پیروی می‌کرده و فقط به پرورش جسم و لذایذ زودگذر پایبند بوده‌اند. مانند یهودیان و مشرکان و گروه دوم بالعکس آن‌ها فقط در راه عالم روحانی (خشک و بی‌روح) به سر می‌برده و به دنیا و تناعم آن پشت پا زده و از آن بیزار بوده‌اند مانند نصاری و صابئین و برخی از بت‌پرستان و مرتاضان هند.

اما خدای مهربان برای این امت پیامبر خاتم، هم حق روح و روان و هم حق جسم را با هم جمع فرموده و آن را امتی مادی-روحي قرار داده است. چنانچه نگاهی تاریخی به ادیان پیش از اسلام داشته باشیم مشاهده می‌کنیم که هر کدام از آن‌ها در جهتی دچار افراط و در جهتی دچار تفریط شده‌اند. در چنین شرایطی بازگشت به میانه‌روی امری است گریز ناپذیر است تا بدین وسیله هر دو کفه ترازو، همسنگ و برابر گردند.» (محمد رشید رضا، ج ۱، ذیل آیه)

از طرفی تعبیر صراط مستقیم در قرآن گویای مسیر و راهی است که سالک آن، اهل میانه گرایی در بینش و منش می‌گردد. این تعبیر ۴۰ بار در قرآن آمده است که به عنوان نمونه می‌توان به آیات زیر اشاره کرد:

«اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (فاتحه/۶) «خداوندا! ما را به راه مستقیم هدایت بفرما.»

و **«وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»** (انعام: ۱۵۳)

«این راه، راه مستقیم من است پیروی کنید و از راه‌هایی پیروی نکنید که شما را از راه خدا پراکنده می‌سازد این‌ها چیزهایی است که خداوند شما را بدان توصیه می‌کند تا پرهیزکار شوید.»

به استناد قول ریاضیدانان، کوتاه‌ترین فاصله بین دو نقطه، خطی مستقیم است.

از تفسیر و مفهوم این آیات می‌توان دریافت که مقصود از **«الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»** در همه آیات همان راه راست و میانه و موافق با شریعت بوده. راهی که کجی در آن راه ندارد و به دور از هر گونه افراط و تفریط است.

از نظر اسلام دست یابی به هر کمالی تنها از راه اعتدال گرایی و میانه روی در امور میسر است؛ زیرا به تعبیر قرآن، راه مستقیم، راهی است که انسان را به کمالات مطلق می‌رساند و با ایجاد زمینه‌های تقرب جویی به خداوند، زمینه ادای رسالت خلافت الهی را به شکل کامل و مطلق برای انسان پدید می‌آورد. بنا بر این اعتدال، عنصر اساسی در دست یابی انسان به کمال بوده و رفتار انسان اگر توأم با اعتدال باشد، ماندگاری و تثبیتش در روح و روان، بیشتر از رفتاری است که توأم با افراط و تفریط باشد.

خداوند در توصیف مومنانی که به کمال رسیده اند آنان را به اعتدال گرایی و میانه روی می‌ستاید و در آیه ۲۲ «سوره ملک» استقامت و اعتدال مؤمنان در ایمان شان را به حرکت انسان معتدل در راه مستقیم تشبیه می‌کند. این بدان معناست که کمال ایمانی را تنها می‌توان از راه اعتدال و میانه روی کسب کرد.

در آموزه های قرآن اعتدال در هر امری پسندیده و ممدوح شمرده شده و حتی بسیاری از آیات برای ایجاد اعتدال در قوای انسانی و مهار و کنترل و هدایت آن به سوی اعتدال وارد شده است.

در ارزش و اعتبار اعتدال و میانه روی همین بس که در قرآن از راه راست به عنوان راه میانه یاد شده است و در سوره قصص آیه ۲۲ از زبان حضرت موسی (ع) بیان شده که «راه میانه» راه درست هدایت است و لذا می‌فرماید:

«... قَالَ عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ» (قصص/۲۲)

«... گفت: «امیدوارم پروردگارم مرا به راه راست (میان‌ه روی و اعتدال) هدایت کند!»

حتی حضرت ابراهیم دین خویش را دین اعتدال و میان‌ه برمی شمرد و از آن به «حنیف» یاد می کند تا اصالت و میزان اهمیت میان‌ه روی را به همگان بفهماند.

ادامه دارد

تحقیق و نگارش: حمزه خان بیگی / کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث / اشنویه

میان‌ه روی و اعتدال شاخص وزین تعالیم اسلامی [بخش دوم]



بدیهی است آنچه که در معارف قرآنی مورد تأکید قرار گرفته، میان‌ه روی است که از آن به «اعتدال» و «اقتصاد» نیز تعبیر می‌شود؛ و این میان‌ه روی را می‌توان در موارد زیر به عنوان نمونه با تمسک به آیات قرآنی دید:

الف) اعتدال در برنامه ریزی

«هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا.....» (یونس/۶۷)

«خداوند است که شب را برای شما آفرید تا در آن آرامش یابید، و روز را دارای دید (روشن) قرار داد (تا همه چیز را ببینید و بتوانید کار کنید.....»

مسلمان مراقب وقتش بوده و از آن در تحقق آنچه به نفع اوست بهره گرفته و آن را بخاطر مسائل بیهوده تلف نمی نماید. محافظت از وقت محافظت از زندگی است، و البته هر انسانی مسئول عمر خویش است که در چه راستایی آن را صرف نموده است. چه نیک گفته است شاعر:

دقات قلب المرء قانلة له إن الحياة دقائق وثوان

یعنی:

فرد مسلمان با تنظیم وقت و تقسیم مناسب آن به گونه ای که هیچ جنبه ای از جنبه های زندگی اش، از جمله: عبادت، خواب، بازی و ... از حد و مرز خود در نگذرد. می گویند: سازماندهی و برنامه ریزی درست کارها ضامن رسیدن به اهداف است.

ب) اعتدال در خوردن و آشامیدن

قرآن کریم در باره خوردن و آشامیدن، ضمن امر به آن، نهی از اسراف می کند که جمع بین خوردن و آشامیدن از یک سو و نهی از اسراف، همان اعتدال و میانه روی است.

خداوند می فرماید: **«كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»** (الأعراف/۳۱)

« بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید، به تحقیق که او اسرافکاران را دوست نمی دارد.»

نه چندان بخور کز دهانت بر آید نه چندان که از ضعف جانت در آید.

انسان ها حتی در خوردن و آشامیدن و پوشاک باید به اندازه کفاف و نیاز خود از هر چیزی استفاده کنند و در این موارد گرفتار اسراف و چشم و هم چشمی نشوند. میانه روی در معیشت و اقتصاد زندگی، مربوط به بحث کمیت و مقدار مصرف است؛ نه کیفیت؛ یعنی شخص با علم و آگاهی از میزان مصرف مفید می تواند اندازه لازم در هر مواد مصرفی را مراعات نمایند. زیرا افرادی که حد اعتدال و میانه روی را مراعات نمی کنند و در زندگی مدام در حال افراط و تفریط هستند در زندگی هیچگاه احساس موفقیت و شادکامی و بی نیازی نمی کنند، و کوشش آنها در زندگی، بی ثمر بوده و خود را همیشه درگمراهی و در معرض هلاکت می اندازند. (مجله الامه الوسط، السنه الاولی ۲۰۰۹ م شماره اول، با تلخیص و تصرف)

خداوند کسی را که در مصارف زندگی خود میانه رو باشد، روزی زیاد می بخشد و کسی را که اهل حیف و میل و اسراف باشد محروم می سازد. انسان عاقل و خردمند هنجارها و قواعد زندگی را در تمامی ابعاد زندگی با علم و دانش شناسایی و مراعات می کند و با رفتار صحیح فردی و اجتماعی، خود و جامعه را به چالش نمی اندازد.

با توجه به آیات متعدد قرآن. مؤمنان باید میان خواسته های دنیا و آخرتشان توازن و تعادل برقرار نمایند از یک طرف برای عمران زمین و بهره برداری از منابع و نعمت های خدادادی در آن نهایت استفاده از این نعمات آخرت را فراموش نکنند و در آن ها اسراف و زیاده روی ننمایند.

از عمرو بن عاص (رض) روایت شده که فرمود: « برای دنیایت چنان بکوش که گویی همیشه زنده می مانی و برای آخرت چنان بکوش که گویی همین فرا خواهی مرد.»

در سوره مائده می فرماید: **«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرَمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ * وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ»** (المائدة/ ۸۸ - ۸۷)

« ای کسانی که ایمان آورده اید! چیزهای پاکیزه را که خداوند برای شما حلال کرده است، حرام نکنید! و از حد، تجاوز ننمایید! زیرا خداوند متجاوزان را دوست نمی دارد.* و از نعمتهای حلال و پاکیزه ای که خداوند به شما روزی داده است، بخورید! و از (مخالفت) خداوندی که به او ایمان دارید، بپرهیزید!»

و در سوره ملک: می فرماید: **«هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ دَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ»** (الملك/ ۱۵)

او کسی است که زمین را برای شما رام کرد، بر شانه های آن راه بروید و از روزیهای خداوند بخورید؛ و بازگشت و اجتماع همه به سوی اوست!»

هم چنین در سوره قصص می فرماید: **«وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا»** (القصص/ ۷۷)

« و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب؛ و بهره ات را از دنیا فراموش مکن؛.....»

قرآن دعا کردن را به ما آموزش می دهد که از خداوند درخواست نماییم. **«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»** (بقره/ ۲۰۱)

ج) اعتدال در انفاق

قرآن کریم در باره انفاق که از جمله ی پسندیده ترین صفات و رفتارها و عبادات است ، اسراف و زیاده روی را جایز نمی داند و راه میانه و اعتدال را پسندیده و آن را از صفات نیک بندگان خویش برشمرده است.

خداوند در توصیف «عباد الرحمن» می فرماید:

«وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (الفرقان/۶۷)

«مؤمنین و بندگان صالح خدا کسانی هستند که در انفاق کردن، نه زیاده روی می کنند و نه سختگیری، بلکه راه اعتدال و میانه ای را انتخاب می کنند.»

همچنین در آیه دیگری از سوره اسراء قاعده دیگری را برای میانه روی در انفاق بیان می دارد، آنجا که می فرماید:

«وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا» (الإسراء/۲۹)

هرگز دستت را بر گردنت زنجیر مکن، (و ترک انفاق و بخشش منما چنان که بسیار خست و رزی و چیزی به دیگران ندهی) و بیش از حد (نیز) دست خود را مگشای که هرچیز داری به دیگران ببخشی ، تا مورد سرزنش قرار گیری و خود درمانده شوی و از کار فرومانی!

ابن مسعود (رض) در بیان سبب نزول آیه کریمه می گوید: پسر بچه ای نزد رسول خدا (ص) آمد و گفت: مادرم از شما این و این... را می خواهد، آن حضرت (ص) فرمودند: امروز نزد ما چیزی نیست. کودک گفت: پس از شما می خواهد که بروی پیراهنی ببوشانید. آن حضرت (ص) پیراهن خود را از تن مبارک خویش بیرون آورده و به او دادند و خود درمانده در خانه نشستند. پس این آیه نازل شد.

آیه کریمه ردی بر قول کسانی است که می گویند: انسان مؤمن باید تمام مالش را انفاق کرده و هیچ چیز را برای فردایش ذخیره نکند. در حدیث شریف آمده است: «کسی که میانه روی پیشه کرد، فقیر نشد». (مخلص عبدالرؤف، ۱۳... ، ذیل آیه)

بر این اساس، اصل اندازه نگه داشتن در معیشت، و خودداری از «اسراف و تبذیر» و در عین حال احتراز از «خست و تنگ نظری» در زمره مهم ترین آموزش های نظام اقتصادی تربیتی اسلام است. این امر به تربیت اقتصادی و نظم معاشی مردم بستگی دارد و لازمه چنین میانه روی و اعتدالی، ایجاد و رشد روح انضباط مالی در افراد و خانواده هاست.

سید قطب نیز در تفسیرش چنین می نویسد: «توازن و تعادل، قانون بزرگی در برنامه اسلامی است. غلو و زیاده روی هم همچون کوتاهی و رزیدن و تنگ چشمی کردن به توازن و تعادل زیان می رساند. تعبیر قرآنی در اینجا روال و شیوه تصویرگری خود را در پیش می گیرد، و بخل و تنگچشمی را به صورت دست بسته ای برگردن ترسیم می کند، و اسراف و باددستی را نیز به صورت دست کاملاً باز و گشوده ای که چیزی را نگاه ندارد به تصویر می کشد، و فرجام بخل و تنگچشمی و فرجام اسراف و باددستی را به شکل نشستی همچون نشستن شخص سرزنش شده بی چیز و غمناکی نشان می دهد. محسور به معنی حسیر است. حسیر در لغت به چهارپائی گفته می شود که نتواند راه برود و حرکت کند، و به سبب ضعف و عجز بایستد. بخیل و تنگچشم نیز چنین است. بخل و تنگ چشمی او را درمانده و ناتوان می کند و از حرکت باز می دارد. در نتیجه برجای می ایستد. مسرف و باددست نیز اسراف و باددستی کار او را به جایی می کشاند که بسان شخص درمانده و ناتوان بایستد و از حرکت بازماند. انسان در هر دو حالت بخل و تنگچشمی، و اسراف و باددستی، سرزنش می گردد. لذا بهترین کارها میانه روی است.» (قطب سید، ۱۹۸۸م، ذیل آیه)

متأسفانه بعضی از افراد، به دلیل عدم آگاهی، برای یافتن روش صحیح، راه های انحرافی افراط یا تفریط را می آزمایند، ولی چه بهتر که از همان ابتدا، نقطه تعادل را بشناسند و همان را برگزینند، زیرا میانه روی و اعتدال، جوهر شیوه درست زیستن است.

مفهوم و اهمیت اعتدال و میانه روی در سنت و احادیث نبوی

اصل اعتدال، که در قرآن کریم به آن عنایت فراوانی شده است، در کلیه اعمال و رفتار و زندگی پر برکت پیامبر اکرم (ص) نیز به روشنی دیده می شود. ایشان هرگز در هیچ امری از اعتدال و میانه روی خارج نشدند. سیره رسول خدا (ص) در همه وجوه، سیره ای معتدل بود. همان طوری که حضرت علی (ع) در مورد سیره ی آن حضرت فرموده است:

«سیره القصد» سیره و رفتار رسول خدا، میانه روانه و معتدل بود. (نهج البلاغه، کلمات قصار، ۶۷)

همچنین در حدیث صحیح دیگری آمده است که: «عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، عَنِ النَّبِيِّ (ص) «الْوَسْطُ الْعَدْلُ» {جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا} [البقرة: ۱۴۳]» (مسند احمد ط الرساله، ج ۱۷، ص ۳۷۲، إسناده صحیح علی شرط الشیخین)

با توجه به حدیث پیامبر (ص) وسط همان عدل است و نسبت میان عدل و اعتدال یا ترادف و تساوی است و یا عموم و خصوص مطلق، زیرا اعتدال از عدل فراگیرتر است و همه ی شوون حیات انسانی را سامان می‌بخشد. اما وسط به عنوان صفت برای امت یعنی امتی که از هر گونه افراط و تفریط در زمینه‌های مختلف به دور است

این اصل در همه تعلیمات و آداب اخلاقی اسلام، طوری عملاً رعایت شده که برای هر عقل سلیمی، قابل درک است زیرا از سوی خرد و فطرت آدمی نیز مورد تأیید قرار گرفته؛ و سامان دهی و استواری جسم و جان آدمی و امور فردی و اجتماعی او، در گرو رعایت همین اصل است.

در روایتی آن حضرت (ص) مومنین را از اینکه به طور کامل به دنیا گرایش پیدا کنند - هم چنان که یهود چنین اند - و یا از اینکه دنیا را رها کرده و به رهبانیت رو آورند - هم چنان که برخی از نصاری چنین کاری را مرتکب می‌شوند - نهی کرده است. [ماوردی، ۱۴۰۹، ص ۲۲۹]

خداوند محمد (ص) را به عنوان رحمت هر دو عالم مبعوث نموده، و ایشان نسبت به ایمان‌داران مهربان است و به آنان حرص می‌ورزد و چیزی که آنان را در تنگنا قرار دهد و یا مشقتی ایجاد کند بر او سخت و گران می‌آید. بار گران آنان را بر می‌دارد و غل و زنجیری که بر آنان بود باز می‌کند؛ پیامبر (ص) چنین می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَبْعَثْنِي مَعْنًا وَلَا مَتَعْنًا وَلَكِنْ بَعَثَنِي مَعْلَمًا مَيَسَّرًا». (أخرجه مسلم، ج ۲، ص ۱۱۰۴، شماره حدیث ۱۴۷۸، باب طلاق)

یعنی: «خداوند من را نفرستاده که بر خود سخت‌گیری نمایم و یا دیگران را در تنگنا قرار دهم، بلکه من را بعنوان یک معلم آسان‌گیر فرستاده است.

این حدیثی است که بر صحت آن اتفاق شده و لفظ آن از مسلم است و از جابر (رض) ۹ تخریج نموده است.

عالی‌ترین و شریف‌ترین اعمال انسانی عبادت و بندگی خداوند است. خداوند می‌فرماید:

«جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند.»

باتوجه به جایگاه عبادت که ارتباطی اختصاصی بین بنده و خداست، شاید این تصور به وجود آید که هر چه عبادت کنیم و شب و روز خود را با آن بگذرانیم، بهتر است. در حالیکه رهنمودهای قرآن و پیامبر بزرگوار اسلام، انسان را از هرگونه افراط و تفریط، تندروی و کندروی حتی در امر عبادت نهی کرده است.

و عن أنس (رض)، قَالَ: دَخَلَ النَّبِيُّ (ص) الْمَسْجِدَ فَإِذَا حَبْلٌ مَمْدُودٌ بَيْنَ السَّارِبَتَيْنِ، فَقَالَ: «مَا هَذَا الْحَبْلُ؟» قَالُوا: هَذَا حَبْلٌ لِرَيْبِ، فَإِذَا فُتِرَتْ تَلَقَّتْ بِهِ. فَقَالَ النَّبِيُّ (ص): «حُلُوهُ، لِيُصَلَ أَحَدُكُمْ نَشَاطَهُ فَإِذَا فُتِرَ فَلْيَرْقُدْ» مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ. (البخاری، ج ۲، ص ۶۷، شماره حدیث ۱۱۵۰؛ مسلم، ج ۲، ص ۱۸۹، شماره حدیث ۷۸۴ و ۲۱۹)

همچنین از انس نقل شده است که گفت: «پیامبر اکرم (ص) وارد مسجد شد و ناگهان دید که ریسمانی بین دو ستون مسجد بسته شده است و فرمود: «این ریسمان چیست؟» عرض کردند: این ریسمان مال فلانی است، چون ناتوان می‌شود، خود را به آن آویزان می‌کند. آنگاه پیامبر اکرم (ص) فرمود: «آن را باز کنید! هر یک از شما باید تا زمانی نماز گزارد که با نشاط است، چون خسته شد، باید بخوابد.»

هرگاه فشار و سخت‌گیری از حالت احساس و سلیقه شخصی تجاوز می‌کند و به صورت یک طرز تفکر، عده ای را به دور خود جمع و مشغول می‌نمود، پیامبر (ص) به شدت با آن مخالفت می‌ورزید. ما این موضوع را در برخورد آن حضرت (ص) با سه گروهی که خط مشی غیر از خط مشی او در عبادت را در پیش گرفته بودند، به خوبی مشاهده می‌کنیم هر چند که این گروه ها جز نیکی و خیر خواهی هدف دیگری نداشتند.

چند نفر از اصحاب رسول الله (ص) از اعمال پیامبر در نهانی سؤال کردند و بعد از اطلاع از آن مثل اینکه آن را ناچیز دانستند و گفتند که پیامبر (ص) گناهان اول و آخرش بخشیده شده است ولی ما برای اینکه مشمول بخشش خداوند قرار بگیریم احتیاج به عمل بیشتری داریم. یکی از آنان گفت: من روزه می‌گیرم و هیچ وقت آن را ترک نمی‌کنم. دومی گفت: من شب زنده داری می‌کنم و خواب را بر خود حرام می‌نمایم. و سومی گفت: من ازدواج را بر خود حرام می‌کنم. سخنان آنان را به پیامبر رساندند. و پیامبر (ص) درباره خودش می‌فرماید:

«أَمَا أَنَا فَأَصَلِّي وَأَنَامُ وَأَصُومُ وَأُفْطِرُ وَأَتَزَوَّجُ النِّسَاءَ فَمَنْ رَغِبَ عَنِّي فَلَيْسَ مِنِّي» (مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ . أخرجه : البخاری، ج ۷، ص ۲، شماره حدیث ۵۰۶۳، باب نکاح؛ مسلم، ج ۴، ص ۱۲۹، شماره حدیث ۱۴۰۱؛ صحیح جامع الصغیر، شماره حدیث ۱۶۱۱)

(اما من روزه می گیرم و افطار می کنم، پاسی از شب را عبادت می کنم و بقیه آن را می خوابم. و ازدواج را ترک نکرده ام، هرکس از سنت من روی بگرداند از من نیست.)

مفهوم احادیث مذکور به ما می آموزد که شایسته نیست در دین الله چه در دعوت دیگران، به سوی اسلام یا در اعمال خصوصی خویش افراط ورزیده، بلکه باید خویشتن را به خصوصیات قرآنی امت وسط آراسته کرد، همانگونه که خداوند حکیم ما را به آن امر نموده و مورد سفارش رسول الله (ص) در سنت صحیح نبوی است.

و رسول الله (ص) به اصحابش (رض) می فرماید: «لَا تُطْرُونِي كَمَا أَطْرَتِ النَّصَارَى عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ (ع) فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُهُ فَقُولُوا عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ» (البخاری، ۱۴۲۲ هـ.ق، ج ۴، ص ۱۶۷، باب مَنْ أَنْتَظَرَ حَتَّى تُدْفَنَ)

«در مورد من همانگونه که مسیحیت در مورد عیسی پسر مریم انجام دادند افراط نکنید. چون من تنها بنده خدا هستم پس بگویید: بنده خدا و رسولش»

در اثنای مراسم حج هنگام برگشتن از مزدلفه به سوی منی مقداری سنگریزه به دست گرفت و فرمود:

«أَيُّهَا النَّاسُ بِأَمْثَالِ هَؤُلَاءِ فَارْمُوا وَإِيَّاكُمْ وَالْغُلُوَّ فِي الدِّينِ» (ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۰۸، شماره حدیث ۳۰۲۹، باب قَدْرٌ، حَصَى الرَّمِيِّ)

«ای مردم رمی جمرات را با امثال این سنگریزه ها انجام دهید و زنهار، از غلو و افراط در دین خودداری کنید.»

ام المؤمنین عائشه (رض) می فرماید:

«وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يُحِبُّ مَا خَفَّ عَلَى النَّاسِ مِنَ الْفَرَائِضِ» . (مسند احمد، ج ۶، ص ۱۶۸)

یعنی: «پیامبر (ص) آن چیزی که بر مردم آسان بود دوست می داشت.»

و عن عائشة (رض) : أَنَّ النَّبِيَّ (ص) دَخَلَ عَلَيْهَا وَعِنْدَهَا امْرَأَةٌ ، قَالَ : «مَنْ هَذِهِ ؟» قَالَتْ : هَذِهِ فَلَانَةٌ تَذْكُرُ مِنْ صَلَاتِهَا . قَالَ : «مَهْ ، عَلَيْكُمْ بِمَا تُطِيفُونَ ، فَوَاللَّهِ لَا يَمَلُّ اللَّهُ حَتَّى تَمَلُّوا» وَكَانَ أَحَبَّ الدِّينِ إِلَيْهِ مَا دَاوَمَ صَاحِبُهُ عَلَيْهِ . مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ . (البخاری، ج ۱، ص ۱۷، شماره حدیث ۴۳، مبحث ایمان؛ مسلم، ج ۲، ص ۱۸۹، شماره حدیث ۷۸۵ و ۲۲۱، باب صلاة المسافرين)

از ام المؤمنین روایت شده که پیامبر (ص) بر او وارد شد در حالیکه زنی نزد او حضور داشت . فرمود که این زن کیست؟ ام المؤمنین عرض کرد: زنی هست که زیاد نمازهای سنت را می خواند، پیامبر (ص) فرمود: «مَهْ ، عَلَيْكُمْ بِمَا تُطِيفُونَ ، فَوَاللَّهِ لَا يَمَلُّ اللَّهُ حَتَّى تَمَلُّوا» یعنی: «نه، چنین نکنید، بلکه آنچه در توان دارید انجام دهید، بخدا قسم، آنگاه که شما ملول و درمانده می شوید، خداوند نیز ملول و ناراحت می شود.»

کلمه «مه» برای زجر و منع است و رسول خدا (ص) عابدان را از تحمل مشقت و فشار شدید در عبادت برحذر میدارد و اجازه نمی دهد مکه نفس خود را بیش حد در تنگنا قرار دهند . چرا که با دوام بر عبادت کم، دوام اطاعت و برکت آن افزایش می یابد .

هدف از عبادت و فرمانبرداری از خداوند پابرجا ماندن نفس بر راه است و محافظت نمودن از نفس تا دچار کجی و انحراف نشود؛ پس منظور از عبادت، زیاد فرو رفتن در عبادت و شمارش تعداد رکعات نماز و ... نیست. بلکه باید محکم کاری نمود و به تقرب إلى الله و استقامت بر آن توجه کرد و به هیچ وجه نباید به تعداد و مقدار (کمیت) توجه شود و باید به اندازه توانایی، عبادت کرد. زیرا استقامت با عبادتی سهل و آسان هم حاصل می شود، انجام عبادتی کم، نفس را آگاه نموده و لذت عبادت را به خاطر رعایت اعتدال در آن می چشاند .

زیرا انسان وقتی که در انجام عبادت دچار مشقت و ناراحتی شود لذت عبادت را از دست می دهد و از مظاهر خشوع دور می شود.

دین اسلام طاعات و عباداتی برای ما تعیین نموده که با طبیعت هر انسانی سازگاری دارد، و دل و درون آدمی به واسطه آن انشراح پیدا می کند. یکی از مواردی که باعث تندرستی و سخت گیری در دین می شود، ناآگاهی و جهل به دین و عدم آگاهی به مقاصد شریعت و در یک کلمه ضعف علم می باشد؛ و چه بسا بعضی مواقع آرزوهای نفسانی باعث چنین برخوردهایی نا مطلوب با امور عبادی می شود.

در حدیث صحیح آمده که پیامبر (ص) فرمود:

«إِنَّ الدِّينَ يُسْرٌ وَلَنْ يُشَادَّ الدِّينَ أَحَدٌ إِلَّا غَلَبَهُ فَسَدِّدُوا وَقَارِبُوا وَأَبْشِرُوا وَاسْتَعِينُوا بِالرَّحْمَةِ وَشَيْءٍ مِنَ الدَّلْجَةِ» (رواه البخاری، ریاض العالمین، ص ۱۱۸، شماره حدیث ۵۱؛ البخاری، ج ۱، ص ۱۶، شماره حدیث ۳۹)

ترجمه: «در دین آسانی است و کسی که با دین به مقابله برخیزد و سختگیری کند ناکام و مغلوب می‌گردد. پس حق را طلب نموده و خود را به آن نزدیک ساخته و شاد باشید و از حرکت صبحگاهی و شامگاهی و آخر شب یاری جوی. و در روایتی از وی آمده حق را طلب نموده خود را بدان نزدیک ساخته و در صبحگاه و شام گاه و آخر شب عمل کرده و میانه‌روی کنید تا به مقصد برسید.»

ابن منیر می‌گوید: این حدیث یکی از نشانه‌های پیامبری است زیرا همه ما دیده‌ایم و هم کسانی که قبل از ما بوده‌اند دیده‌اند که: هر سخت‌گیر و تندروی شکست خورده است. در این جا منظور ما منع کمال‌طلبی و عبادت در دین نیست. بلکه چنین چیزی پسندیده است، بلکه هدف ما مبارزه با افراطگری‌هایی است که به سستی و ملالت منجر می‌شود و زیاده‌روی در مستحباتی است که باعث ترک واجب می‌شود.

همچنین پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «این دین محکم و متین است، پس با ملایمت در آن در آید و عبادت خدا را به بندگان خدا با کراهت تحمیل نکنید تا مانند سواری در مانده باشید که نه مسافت پیموده و نه مرکبی به جا گذاشته است»

همچنین رسول خدا (ص) در همه کارها رعایت اعتدال را به عنوان بهترین گزینه، نیکو شمرده است و فرموده است:

«خیر الامور اوسطها» برای دعوت به همین میانه روی و پرهیز از افراط و تفریط است. (بدر الدین العینی، ۱۹۹۹م، ج ۲، ص ۲۴۱، باب المواقیف)

انسان‌هایی که دچار افراط و تفریط می‌شوند معمولاً کمتر می‌توانند با دیگران یکدل شوند و غالباً تنها می‌مانند. اما کسانی که در مسیر اعتدال و میانه روی هستند قادرند با مردم یکدل شوند. پیامبر گرامی اسلام فرمودند: معتدل باشید تا قلب‌هایتان به هم نزدیک شود.

ناآگاهی و فقدان علم و بد فهمی باعث شده بعضی از مردم در مواردی از فروعات دینی غلو و تشدد بخرج داده ولی در مقابل، نسبت به بسیاری از گناهان کبیره می‌گذرند! مانند غیبت، خیرچینی، قذف، حسد، جستجو در پی عیوب دیگران و عیبجویی از بی‌گناهان، حيله و نیرنگ نسبت به برادران دینی خود که هم‌فکرشان نمی‌باشند! و افشای گناه و عیب دیگران و حتی خوردن و غارت اموال مردم به ناحق!

در سنت نبوی نمونه‌های زیادی را می‌توان آورد که پیامبر (ص) اصحاب را از افراط و تفریط منع نموده و به اعتدال و میانه‌روی سفارش کرده که نهایتاً به این حدیث بسنده می‌گردد، که ایشان (ص) به ابن مسعود صحابی فرمودند:

«..... هَلَكَ الْمُتَنَطِّعُونَ - قالها ثلاثاً» (أخرجه : مسلم، ج ۸، ص ۵۸، شماره حدیث ۲۶۷۰)

از ابن مسعود (رض) روایت شده که پیامبر (ص) سه بار فرمودند هلاک شدند منتطعون (کسانی که بی‌مورد سختگیری کرد و در گفتار و کردار غلو می‌نمایند).

ادامه دارد

تحقیق و نگارش: حمزه خان بیگی / کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث / اشنویه

میان‌روی و اعتدال شاخص وزین تعالیم اسلامی [بخش سوم و پایانی]



اعتدال ویژگی برجسته امت اسلام

خداوند از امت اسلامی در سوره بقره به سبب پیروی از اسلام به عنوان «امت وسط» یعنی امت معتدل یاد کرده و می‌فرماید:

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا...»

«بی‌گمان شما را ملت میان‌روی کرده‌ایم (نه در دین افراط و غلوی می‌ورزید، و نه در آن تفریط و تعطیلی می‌شناسید. حق روح و حق جسم را مراعات می‌دارید و آمیزه‌ای از حیوان و فرشته‌اید) تا گواهانی بر مردم باشید (و بر تفریط مادی‌گرایان لذائذ جسمانی طلب و روحانیت باخته، و بر افراط تارکان دنیا و ترک لذائذ جسمانی کرده، ناظر بوده و خروج هر دو دسته را از جاده‌ی اعتدال مشاهده نمایند) و پیغمبر (نیز) بر شما گواه باشد (تا چنانکه دسته‌ای از شما راه او گیرد و یا گروهی از شما از جاده‌ی سیرت و شریعت او بیرون رود، با آنین و کردار خویش بر ایشان حجت و گواه باشد)....» (بقره/۱۴۳)

برای فهم دقیق «امت وسط» جای خود دارد گریزی به «فی‌ظلال» سید قطب شهید بزنیم آنجا که می‌فرماید: «ملت مسلمان ملت وسطی است با تمام معانی که وسط دارد، چه از وساطت به معنی حسن و فضل باشد، یا به معنی اعتدال و میان‌روی، یا به معنی وسط مادی حسی...»

«**أُمَّةً وَسَطًا**» ملت وسط و میان‌روی است در جهان‌بینی و اعتقاد... نه در روحانیت صرف غلو و افراط می‌کند، و نه در مادیت تنها فرو می‌رود و ماندگار می‌شود. بلکه از فطرت پیروی می‌کند که در روحی مجسم و نمودار است که جامه‌ی جسد به تن کرده است، یا جسدی است که لباس روح به تن دارد. چنین ملتی می‌کوشد تا به این وجود دو قلو پرداخته انرژی‌های دو بعدی مادی و معنوی، حق کاملی از هر نوع توشه‌ای که لازم دارد عطاء کند، و به تکاپو می‌ایستد تا زندگی را بالا برد و بدان رفعت بخشد، همزمان با چنین‌کاری سعی می‌کند زندگی را حفظ نماید و آن را امتداد دهد، و بدون هیچ‌گونه تفریط و افراطی، بلکه برعکس، با میان‌روی و هماهنگی و اعتدال، همه‌ی توان خویش را در جهان علائق و اشواق، و در جهان کششها و جذبها، به کار می‌گیرد. (سید قطب، ۱۹۸۸، ج ۱، ص ۱۳۱)

«**أُمَّةً وَسَطًا**» ملت میان‌روی است در رابطه‌ها و پیوستگی‌ها... نه شخصیت فرد و ارکان او را نادیده می‌گیرد، و نه شخصیت او را در شخصیت جامعه یا دولت محو می‌گرداند، همچنین او را رها نمی‌سازد تا به فرد خودخواه و حریصی تبدیل شود که به فکر کسی و چیزی جز خود نباشد... تنها آن اندازه از انگیزه‌ها و نیروها را به‌کار می‌گیرد که وسیله‌ی حرکت و رشد گردد. و از کششها و ویژگیها تنها آن اندازه سر راه او به وجود می‌آورد و چوب لای چرخ و دهنه به دهان اسب نفس می‌اندازد که جلو غلو و سرکشی او را بگیرد، و از رغائب و علائق آن مقدار در اختیارش می‌گذارد که رغبت فرد را در راه خدمت به جامعه برانگیزد، و از تکالیف و واجبات آن اندازه برای فرد مقرر می‌دارد که او را خدمتگزار جامعه نماید، و جامعه را هم ضامن و مسوول فرد کند، و در نتیجه فرد و جامعه را هماهنگ و همگام گرداند.» (سید قطب، ۱۹۸۸، ذیل آیه)

بدین ترتیب خداوند مسلمانان را در قرآن از حقیقت مقام و مکانی که در این زمین دارند، و از حقیقت نقشی که در زندگی بشریت بر عهده ایشان است و ضروری است آن را ایفاء کنند، آگاه می فرماید:

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ.....» (آل عمران / ۱۱۰)

«شما بهترین امتی هستید که برای (سود) انسانها آفریده شده‌اید (مادام که) به کار شایسته دستور می‌دهید و از کار ناشایست باز می‌دارید و به خدا ایمان دارید.....»

از این رو آنان را بهترین امتی می‌داند که در روی زمین ایجاد شده اند. امتی که اصل و اساس آن اعتدال و میانه روی در همه چیز و همه کار است و از این رو امت شاهد و نمونه و سرمشق برای سایر امم می‌باشند.

به قول شهید عقیده اسلامی «سید قطب» در فی ظلالش، این چنین خداوند مسلمانان را به اصالت نقش شان و اهمیت کارشان رهنمود می‌فرماید و آنان را از بزرگواری جامعه‌شان آگاه می‌نماید. و این چیزی است که لازم است امت اسلامی آن را درک کند تا حقیقت و ارزش خود را بشناسد و بداند که او آفریده شده است تا پیشرو و پیشقراول بوده و آن را وظیفه امت اسلامی می‌داند زیرا این امت لازم است که همیشه در مرکز رهبری و پیشوائی سایر امم قرار داشته باشد.

تکامل شخصیت ایمانی مروهون اعتدال

جهان‌بینی و ایدئولوژی الهی، اعتدال را یکی از خطوط برجسته و مهم تکوین و تشریح می‌داند. و در پی رسیدن به انسانی با شخصیت ایمانی کامل بطور متوازن در همه زمینه‌ها می‌باشد و از دیدگاه تعالیم وحی، چنین انسانی همان انسان معادل و متعادل است.

داشتن فکر و اندیشه اعتدال انسان را به دفاع در برابر کسانی می‌کند که در عرصه برون دینی اسلام را متهم به افراط و تفریط می‌نمایند و اتهامات آنها را نیز هوشمندان و حکیمان با تمسک به آموزه‌های تعالیم وحی و سنت نبوی پاسخ محکم می‌دهد.

همین بینش و داشتن اندیشه میانه روی به عنوان یکی از اصول قابل توجه در زمینه کشف نظر شارع در عرصه‌های گوناگون و کشف پاسخ دین به پرسش‌های تازه و به عنوان یکی از ضابطه‌های اساسی در زمینه نظریه‌پردازی در علوم اسلامی و تولید علوم اسلامی جدید و در ساخت مهندسی توسعه متعالی و متعادل و طراحی نقشه جامع علمی و فرهنگی برای امت اسلامی، درخور به کار گیری و استفاده است. و به این دلیل، اندیشه‌ها و نظرات افراطی یا تفریطی نه تنها نمی‌توانند ریشه در دین داشته باشند بلکه مخالف دین می‌باشند. زیرا اسلام حقیقی و حرکت در راه درست و صراط مستقیم چیزی نیست به جز پرهیز از افراط و تفریط و حرکت بر روی خط میانه و متعادل؛ لذا بیداری اسلامی، اصول گرایی اسلامی و بازگشت به اسلام راستین، میسر نمی‌شود مگر با رسیدن به اعتدال اسلامی و ارتقاء به جایگاه امت میانه که ثمره آن برپایی تمدن اصیل اسلامی است.

و به خاطر همین گرایش به اعتدال و میانه روی امری اجتناب ناپذیر است چرا که چنین رفتاری موجب می‌شود تا انسان در مسیر خردمندی و کمال گرایی قرار گیرد و گرفتار شرک در عقیده و عمل نشود و راه نقصان و باطل را نیپیماید.

دست یابی به استقامت و قوام یابی در شخصیت و عمل اجتماعی از دیگر آثار و پیامدهای اعتدال گرایی بشر در زندگی است که در آیات ۶۳ و ۶۷ سوره فرقان به آن توجه داده شده است. از نظر خداوند، انسان متعادل و میانه رو با رعایت تناسب و عدالت است که می‌تواند زندگی خویش را قوام بخشد و به استقامت دست یابد.

متأسفانه امروزه به خاطر عدم شناخت مرزهای اخلاقی و اعتقادی و نیز آشنا نبودن به آداب و رسوم و حدود معاشرت‌ها، خیلی از ضد ارزشها و ردائل جایگزین فضائل شده است. انحرافات اخلاقی مانند تکبر و ذلت و نیز مشکلات اقتصادی مثل فقر و نداری، بخل و اسراف، همگی پیامد جامعه ای است که گرفتار افراط و تفریط شده است.

از آنجا که بینش و عقاید انسان در رفتار و عملکردش تأثیر دارد. پس اگر ایمان و عمل در کنار هم و مؤثر بر هم باشند، در شرایط بحرانی هیچ گاه انسان دچار بی ثباتی عقیده و تردید نخواهد شد. با این نگرش صفات اخلاقی اش را در حدّ وسط نگه می‌دارد و در رفتارش با دیگران حدود و آداب اسلامی را رعایت می‌کند.

به عنوان مثال وقتی سخاوت، ملکه روح شد، آفتی چون دنیا دوستی و چشم و هم چشمی و بالاخره بسیاری از مشکلات اقتصادی و فرهنگی ریشه کن خواهد شد.

امام ابن‌القیم، میانه‌روی و اعتدال را یکی از چهار رکن اصلی می‌داند که اخلاق نیکو بر آن تکیه دارد که عبارتند از شکیبایی، پاکدامنی، شجاعت، اعتدال و میانه‌روی

پس هماهنگی روح و جسم و ایمان و عمل، باعث رشد فکری و کسب ملکات اخلاقی شده که رشد و قدرت اقتصادی را به دنبال دارد. که همگی این موارد زمینه ساز عدالت اجتماعی است که بشریت انتظار آن را از مکتب تعالی بخش اسلام دارد.

روش‌های زندگی فوق‌الذکر عواقب و نتایجی مخصوص به خود را در زندگی فردی و جمعی به دنبال خواهد آورد و آثار و تبعات متفاوتی را در جامعه ایجاد خواهد کرد. فرهنگ دینی اسلامی، بیش از هر چیز بر «میان‌روی» در شیوه زندگی و روش سلوک تأکید می‌کند.

«میان‌روی» اعتدال در همه امور است و به گفته سید قطب امت میانه‌رو، امتی مبتکر و خلاق است که دنباله‌رو اقوام گذشته نیست. نقطه شروع فلاکت امت اسلامی، وقتی بود که از اعتدال خارج گردید.

استاد قرضاوی در «**خصائص التصور الإسلامیه**» در این باره چنین می‌نویسد: «بر این باورم که اعتدال و میان‌روی در بینش، منش و روش درمان تمامی دردها و حلال تمامی نابسامانی‌های ناشی از پراکندگی، عقب‌افتادگی علمی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. برای رویایی با روند رو به رشد رویکردهای ناروا، کج‌اندیشی‌های کسل‌کننده و برداشت‌های خانمان‌برانداز، بر ماست که جبهه و جناح معتدل، منهج میانه‌روی و مفاهیم و مبانی اعتدال را توضیح داده و برای تبلیغ و تقویتش از تمامی تریبون‌ها و رسانه‌ها استفاده نماییم. چرا که موضوع بسیار حساس و حیاتی است، و فکر می‌کنم که یکی از مهمترین اولویت‌ها و مسئولیت‌های عالمان، اندیشمندان، مبلغان و تمامی کسانی که خود را حامل پیام پیامبر گرامی به شمار می‌آورند، این است که: برای غبارروبی از روی آینه اعتدال و پاک نمودن چهره پندارهای پذیرفته شده قرآن و سنت صریح پیامبر از تمامی توان و ظرفیت خویش بهره بگیرند.» (قرضاوی یوسف، ۱۴۱۹ هـ. ق، ص ۳۵۸-۳۵۹)

استاد محمود ویسی نیز در توضیح این مطلب چنین می‌نویسد: «باید بدانیم میان‌گرایی و وسطیت به مثابه‌ی مدرسه‌ای است که نیاز اساسی عصر ما برای خروج موفق از بحران‌های گوناگون در عرصه‌های مختلف می‌باشد. لذا اگر به شکلی نهادینه شود که بتواند تفاوت‌های فکری و فقهی و فردی و... را لحاظ نماید، محصول آن برداشت‌های معتدل و میان‌گرایانه خواهد بود. بنابراین این مهم‌ترین نیاز امت اسلامی داشتن دیدگاهی روشن و کاربردی در رابطه با پروژه وسطیت می‌باشد. لذا میان‌گرایی یک حرکت اجتهادی نوگرا در معرفی دین اسلام بوده و به صورتی است که بتواند با وضعیت موجود جهانی تعاملی دقیق و هوشمندانه داشته باشد و در عین التزام به مبادی و اصول با متغیرات و مسائل مستحدثه عالمانه و واقع‌بینانه برخورد نماید. پس وسطیت جامع میان اصالت و عصری بودن، ثوابت و متغیرات، عزیمت و رخصت و حفظ مقاصد شریعت به دور از هر گونه افراط و تفریط در حقوق و واجبات، دوری از تشدد در فروع و جزئیات و تساهل در اصول و کلیات، دوری از غلو در تعظیم عقل و تفریط در تحقیر آن است. با قاطعیت می‌توان گفت که میان‌گرایی شریعت یکی از مهم‌ترین مبانی و ویژگی‌های دال بر پویایی دین در پاسخگویی مستمر به سوالات و معضلات بشر است و این خود منوط به استخراج و استنباط برداشت‌های میان‌گرایانه از دین به وسیله اهل فن است. زیرا طبیعت شریعت مشتمل بر همه‌ی ظرفیت‌های لازم برای هم‌نوای شدن با همه‌ی تغییرات و تحولات و ترقیات جامعه‌ی بشری است. در این راستا بهره‌گرفتن از امکانات موجود برای تعمیق اندیشه‌ی وسطیت و بازخوانی ضرورت میان‌گرایی در بینش و منش و برداشت‌های کارآمد و مؤثر گامی ارزشمند در فرهنگ‌سازی و غنا بخشیدن به این مقوله‌ی فراموش شده می‌باشد.»

نتیجه‌گیری

- با پژوهشی ژرف و عمیق می‌توان دریافت، همان‌گونه که اصل توحید در تار و پود احکام و مقررات اسلام و آیات و روایات پیچیده شده، اصل اعتدال نیز در تشریح احکام لحاظ گردیده است.
- میان‌روی اثرات مثبتی در زندگی انسان به جای می‌گذارد که برخی از آنها در دنیا و برخی در آخرت بروز می‌کند.
- اعتدال به عنوان یک اصل قرآنی در همه شئون زندگی فردی و اجتماعی و تمامی فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و عقیدتی مطرح و در قلمرو اسلام، قلمرو وسیعی دارد و در همه جا به عنوان یک اصل خلل‌ناپذیر اسلامی و قرآنی مطرح می‌گردد. این اصل قرآنی که منطبق با فطرت و عقل خدادادی است اسباب رشد و کمال‌یابی انسان را رقم می‌زند ولی افراط و تفریط موجبات سقوط انسان را فراهم می‌آورد.
- اگر کسی بخواهد به مسئولیت الهی خویش عمل کند می‌بایست در همه امور راه اعتدال و میان‌روی را در پیش گیرد و با داشتن حد و اندازه در امور مختلف و محوری کردن اعتدال در تمام برنامه‌ها، خود را به امت وسط نزدیک نموده و با این روش آسایش و خوشبختی را نه تنها برای خود بلکه برای دیگران نیز به همراه آورد.
- خداوند در بیان جامعه برتر و کامل و اریبه نمونه عینی آن، جامعه اسلامی و برتر را جامعه‌ای معتدل و میان‌رو معرفی می‌کند که استقامت با این روش در ذات و نهاد آن سرشته می‌شود. (بقره آیه ۱۴۳) بنابراین، از نظر قرآن و اسلام، صراط مستقیم هر کس و جامعه‌ای، میان‌روی و اعتدال در همه امور و اقتصاد در زندگی است.
- از آموزه‌های وحیانی قرآن و سنت نبوی و سیره سلف صالح برمی‌آید هرگونه خروج از حدود اعتدال و میان‌روی و گرایش به دو سوی افراط و تفریط به معنای خروج از صراط مستقیم و جاده حقیقت و حقانیت و رهسپاری در بیراهه هبوط و سقوط فردی و اجتماعی و دست‌یابی به کمال و تقرب الی الله است.
- فرد مسلمان در خانواده نیز باید بین حق و تکلیف، تعادل را برقرار کند. اگر در همه امورات، میان‌رو و معتدل باشد، خانواده اش نیز متعادل و موزون خواهد شد.
- با اندکی تأمل و دقت در معنای لغوی و اصطلاحی میان‌گرایی در می‌یابیم که امت مسلمان امتی است عادل، فاضل، معتدل، متوازن و به دور از هرگونه افراط و تفریط و بر صراط مستقیم در حرکت به سوی کمال مطلوب است.

- در نهایت اسلام حقیقی و حرکت در راه درست و صراط مستقیم چیزی نیست به جز پرهیز از افراط و تفریط و حرکت بر روی خط میانه و متعادل؛ لذا بیداری اسلامی، اصول گرایی اسلامی و بازگشت به اسلام راستین، میسر نمی‌شود مگر با رسیدن به اعتدال اسلامی و ارتقاء به جایگاه امت میانه که ثمره آن برپایی تمدن اصیل اسلامی است.

پایان.

تحقیق و نگارش: **حمزه خان بیگی** / کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث / اشنویه

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- فولادوند، محمد مهدی، ترجمه قرآن، تهران، دار القرآن الکریم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۵ هـ
- ۳- البخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع المسند الصحیح المختصر، المحقق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، دار بی‌جا، الطبعة الأولى، ۱۴۲۲ هـ.
- ۴- ابن ماجه أبو عبد الله محمد بن یزید القزوی، سنن ابن ماجه، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء الكتب العربية – طوق النجاة، بی تا.
- ۵- ابن منظور محمد بن مکرم، لسان العرب، نشر دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ ق، چاپ سوم.
- ۶- أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل، مسند الإمام أحمد بن حنبل، بن هلال بن أسد الشیبانی، المحقق: شعيب الأرنؤوط – عادل مرشد، وآخرون، مؤسسة الرسالة.
- ۷- النووی، أبی زکریا محیی الدین بن شرف، ریاض الصالحین، تعلیق و تحقیق: الدكتور ماهر یاسین الفحل، دمشق – بیروت، دار ابن کثیر للطباعة والنشر والتوزیع، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۸ هـ – ۲۰۰۷ م.
- ۸- بدر الدین العینی، أبو محمد محمود، شرح سنن أبی داود، المحقق: أبو المنذر خالد بن إبراهیم المصری، مكتبة الرشد – الرياض، ۱۴۲۰ هـ - ۱۹۹۹ م، الطبعة الأولى.
- ۹- سید قطب، فی ظلال القرآن، القاهرة، دار الشروق، الطبعة الخامسة عشرة، ۱۴۰۸ هـ. ق. ۱۹۸۸ م.
- ۱۰، ماوردی؛ أعلام النبوة (للماوردی)، نشر دار و مكتبة الهلال، بیروت، ۱۴۰۹ ق، چاپ اول .
- ۱۱، محمد رشید رضا، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۹۰ م .
- ۱۲، مجله الامه الوسط، السنه الاولي ۲۰۰۹ م شماره اول، الاتحاد العالمی لعلماء المسلمین، بیروت .
- ۱۳، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشیری النیسابوری، المسند الصحیح، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی تا .
- ۱۴، نهج البلاغه با ترجمه محمد دشتی و معجم.